صلح امکان پذیر است

اخگر، احمد

قبلا"باید دانست معنی صلح چیست؟و جنگ یعنی چه؟و علت وجودی هریک چیست؟ و چگونه می‏شود صلح را حفظ کرد و از جنگ جلوگیری کرد.

صلح مفادا"به این معنی است که هرکس به آنچه دارد قانع باشد و چشم طمع به مال دیگران‏ نداشته باشد متأسفانه طبیعت بشری افزون طلبی است که مخالف قناعت است و هیچ کس‏ از آنچه دارد راضی نیست سهم خود را کم و مال دیگران را زیاد می‏پندارد.

همیشه می‏خواهد بیش از دیگران داشته باشد و دست کم کمتر از دیگران نداشته باشد چون این میل طبیعی در حال صلح ارضا نمی‏شود متوسل به جنگ می‏گردد و به همین جهت‏ تا دنیا بوده بنا به قاعده آکل و مأکول قوی ضعیف را پایمال کرده و میکند و هیچوقت‏ همزیستی مسالمت‏آمیز میان گربه و موش،گرگ و میش امکان نداشته و ندارد.البته اگر دست گربه به گوشت نرسد می‏گوید بو میدهد ولی اگر دستش برسد به هیچوقت صرفنظر نخواهد کرد.

بدیهی است تن به جنگ دادن چون عاقبتش نامعلوم است و در صورت پیروزی هم بدون‏ تحمل خسارت جانی و مالی میسر نیست عاقلانه نیست و همیشه عقلا مانع جنگ و مایل‏ صلح بوده و هستند ولی بدبختانه همیشه عقلا در اقلیت و جهال در اکثریت بوده و هستند لذا به امید عقل عقلا آسوده نمی‏توان زیست مضافا"به اینکه عاقل هم ممکن است دچار جنون آنی شود.

و نیز بنا به قاعده بقاء صلح(اگر این قاعده درست بود حالا دنیا پر از اصلح بود در صورتیکه برعکس است.)و بنا به قاعده حق سر سرنیزه است،همیشه اقویا به ضرر ضعفا اقدام کرده و می‏کنند و اگر ترس نداشته باشند منافع خود را در ضرر ضعفا می‏جویند و می‏یابند.ما گوسفند را می‏خوریم چون از او نمی‏ترسیم ولی پلنگ را نمی‏خوریم چون از او می‏ترسیم،پس برای حفظ ضعفا از چنگال اقویا ترسی باید ایجاد کرد و به همین جهت‏ انبیاء عظام متوسل به اوامر آسمانی و فلاسفه کرام متمسک به مبانی اخلاق شدند اما بشر متجاوز به هیچ یک پایبند نیست بنابراین پند و اندرز و تسلیح اخلاقی مؤثر نبوده و نیست و نخواهد بود وضع قوانین بشری هم قادر و مانع به جلوگیری از بلوای وحشتناک‏ جهانی یعنی جنگ نیست و به همین و به همین جهت شاعر گفته و درست گفته-حاضر به جنگ شو اگرت صلح آرزوست زیرا اقویا هر وقت منافع خود را محفوظ ندانند قوانین را زیر پا می‏گذارند و قانون جنگل را اجرا می‏کنند و سلاح داران به نام حفظ منافع یا بی‏سلاحان را می‏دوشند و یا می‏کشند.

خلع سلاح عمومی هم عملی نیست زیرا گرگ هیچ وقت حاضر نمی‏شود چنگ و دندان خود را از دست بدهد و گوسفند وار تابع اراده دیگران گردد.

بر فرض محال اگر خلع سلاح هم عمومی بشود که نمی‏شود باز هم اقویا با چوپ و چماق‏ و سنگ هم که باشد اراده خود را بر ضعفا تحمیل می‏کنند و یا در خفا سلاح تازه‏ای کشف‏ و بکار می‏اندازند.

برای نیل به آرزوی صلح حقیقی فقط یک راه حل وجود دارد که آنهم تشکیل دولت واحد جهانی است و اینهم عملی نیست زیرا قدرتهای موجود می‏خواهند قدرت خود را حفظ کنند و زیر بار دیگران نروند.

تنها راهی که باقی می‏ماند این است که:سازمان ملل متحد اولا"شامل تمام صنوف‏ بشر شود بدون رعایت مذهب و مسلک و رنگ.

ثانیا"قوهء اجرائی عظیمی داشته باشد که بتواند به زور صلح را نگاه دارد و پس از تسلط کامل بر جهان به جبر و عنف همه را خلع سلاح کند.

با پرداخت بموقع عوارض نوسازی علاوه بر استفاده از ده درصد جایزه نه در صد هم جریمه دیر کرد نخواهید پرداخت نتیجه نوزده درصد بنفع‏ شما است آخرین مهلت برای پرداخت روز 29 اسفند میباشد.همکاری شما با شهر داری موجب‏ سپاسگزاری است.

م الف 25883-1-

شهر داری پایتخت

بقیه ا صفحه 21 صفای طبیعت تا خراشیده خود شود،پس بنابر قول سخن پرداز مبدع،شیخ اجل سعدی‏ شیرازی:

شکفته شود گل،ز باد سحر- نه هیزم،که نشکافدش،جز تبر

و بفرموده پیامبر ص:لیس العلم بکثره التعلم،بل العلم نوریقذفه الله فی قلب من‏ یشاء"یعنی دانش آموخت بفرا گرفتن بسیار نیست،بلکه دانش نوری است که خدا یتعالی‏ آنرا در دل هرکس بخواهد می‏افکند.بدیهی است چون جنس علم مادی نیست و مجرد است بنابر مناسبت ذاتی و سنخیت مقذف-دل-و مقذوف‏"یعنی علم‏"باید قلب‏ متعلم بمقام تجرد رسیده باشد،ا قذف علم بدون نتیجه و اثر نماند و فعل افکندن‏ علم عبث و عقیم نباشد.پس بدین دلیل فرا گرفتن علوم قرآنی به بسیار فراگیری‏ نیست،و فهم عرفان که شناخت ذات و صفات و افعال الهی است نیازمند جوهره ذاتی‏ دیگری است بقول خواجه حافظ:

گوهر جام جم،از کان جهانی دگر است- تو تمنا،زگل کوزه گران میداری

و بنابر دلیل مذکور علوم مادی و طبیعی از دایره شمول حدیث مزبور بیرون است.